

شرق روزنامه

یادداشت

در خدمت و خیانت طرح «خرید خدمات آموزشی»

در سال‌های تحصیلی (۹۵-۹۶) و (۹۶-۹۵) تحت عنوان نیروهای خرید خدمات آموزشی (بسته‌های حمایتی)

به‌عنوان آموزگار تمام‌وقت مقطع ابتدای در اداره آموزش عشایر ایذه، مشغول به کار شدم. از مهر ۹۴ در دورافتاده‌ترین روستای ایذه واقع در انتهای رشته‌کوه‌های زاگرس، از توابع دهستان عشایری سوسن غربی و در نقطه صفر مرزی با استان همجوار چهارمحال‌وخیتری باید حدود پنج ساعت پیاده‌روی در کوهستان داشته باشیم تا به مدرسه برسیم؛ مدرسه‌ای سنتی فارغ از داشتن امکانات اولیه زندگی نظیر آب شرب، سرویس بهداشتی، مکان استراحت و خواب مناسب، برق، گاز و عدم آنتن‌دهی شبکه‌های مخابراتی و ... از یک سو و خود نیز فارغ از هرگونه مزایای مالی، مادی و معیشتی و به‌دور از تمام امکانات کمک‌آموزشی مشغول تدریس به این قشر واقعاً محروم و تهیدست عشایری شدم، خدا را گواه می‌گیرم که در راستای رسالت خطیر آموزش که انصاف از تقدس والایی برخوردار است، آنچه را که در توان داشتم گذاشتمام و از هیچ کوششی در راستای اعلاای فرهنگ و اشاعه مباحث روز به والدین دانش‌آموزان دریغ نکرده‌ام. از آنجا که شکاف عمیق طبقاتی بین این کودکان با سایر کودکان هم‌نوع خود به‌وضوح آشکار است و با تمام وجود معلم آن را لمس می‌کند، ازاین‌رو در اکثر ایام تعطیل نظیر روزهای پنجشنبه و جمعه و حتی ساعات فراغت شبانه با این عزیزان کار کرده‌ایم. تمام همکاران شاغل در این طرح، با این دید وارد سیستم آموزشی شده‌ایم. این طرح را به بخش خصوصی و پیمانکاران آموزشی واجد شرایط واگذار کرده و از آنها خواسته بودند که مسائل بیمه تأمین اجتماعی، مشکلات آموزشی مربوط به کلاس‌های درس، تأمین لوازم و کتاب‌های کمک‌آموزشی برای محصلان، تأمین امکانات رفاهی برای معلمان این طرح، نظیر کج، تخته‌سیاه، چراغ روشنایی نفتی، وسایل گرم‌کننده لازم برای بپوشه معلمان و سایر امکانات اولیه لازم درخور شخصیت یک معلم ... را فراهم کنند.

متأسفانه پیمانکاران محترم نیز بعد از دوزدن تمام این قوانین و با عنایت به بی‌توجهی تمام مسئولان آموزشی به این قشر، با استفاده اِباری از این معلمان شرایط دلسردکننده‌ای را به وجود آورده‌اند. سال تحصیلی گذشته این قشر تحصیل‌کرده، با حداقل مدرک تحصیلی لیسانس را برای تداوم کار آموزشی به کار نگرفتند و از آنجا که بیمه این افراد را شرکت‌های پیمانکاری خصوصی واریز کرده‌اند هیچ‌گونه تعهدی متوجه بخش دولتی نمی‌شود. استدعا داریم برای رفع این محض و شفاف‌سازی این پروسه ما از این سردرگمی و پلاتکلیفی کشنده رها کنید. وزیر محترم آموزش‌وپرورش، بعد از لطف و کرامت خداوند سبحان، تمام چشم امیدمان به دستورات و اقدامات مؤثر حضرت‌تعالی است که برای مطالبه این خواسته بحق این قشر جوان نهایت مساعدت و همکاری را از طرق مختلف و ممکن عنایت بفرمایید.

نگاه

«بسته‌های حمایتی» از معلمان حمایت نمی‌کنند

درحدود سه سال پیش یک طرح با عنوان بسته‌های حمایتی به منظور کمک آموزشی بهتر در مناطق عشایری و صعب‌العبور

در سطح آموزش‌وپرورش به اجرا گذاشته شد. این طرح در استان خوزستان، در مناطق عشایری و محروم شهرستان‌های اندیکا و ایذه اجرا شد. مجری این طرح یک مؤسسه واسطه است که در ازای هر دانش‌آموز یک میلیون تومان، «دستمزد می‌گیرد و به هر معلم نفری ۲۵۰ هزار تومان حقوق می‌دهد». در مدارس عشایری و محروم یک یا دو معلم، تمامی پایه‌ها را که در حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر دانش‌آموز می‌شوند، آموزش می‌دهند. البته در بعضی مدارس تعداد دانش‌آموزان از ۱۵۰ نفر هم تجاوز می‌کند؛ به‌طورمثال مدرسه «لَئِر بزرگ» ۱۸۱ دانش‌آموز ۹ معلم دارد؛ یعنی با کسر حقوق و بیمه معلمان که نزدیک پنج میلیون تومان می‌شود، ۱۷۶ میلیون تومان نصیب مؤسسه مذکور می‌شود. البته این را هم اضافه کنیم که در فروردین‌ماه که هیچ و در ماه دوم هم فقط هفت روز بیمه برای این عزیزان لحاظ می‌شود. تمامی معارج؛ از خورد و خوراک و هزینه رفت‌وآمد و همه‌چیز برعهده خودشان است. گاه‌ا در بعضی از مناطق مسیر آن‌قدر صعب‌العبور است که با قاطر نمی‌توان آن مسیر را طی کرد. در پاره‌ای از مناطق در سرما و برف فراطولن که معلمان باید از رودخانه‌های پرآب تا شن‌د شنا در شوند و مسیری یک یا دوساعته و پر از پرتگاه‌های کوهستانی را با وجود خطر حمله حیوانات وحشی از قبیل گرگ و خرس و... را طی کنند تا خود را به چادر درس برسانند.وقتی یک مدرسه را یک یا دو معلم اداره کنند مجبورند که وقت و انرژی بسیار زیادی را برای آموزش بگذارند و این یعنی «کار مفید» (خودتان قضاوت کنید تدریس شش پایه در روز با دو معلم تا چه اندازه می‌تواند کار مفید تعریف شود؟ وقتی از هفت صبح تا غروب بدون اذیت فرصت غذاخوردن نداشته باشند و در سوز و سرمای کوهستان‌های زاگرس، بدون هیچ‌گونه وسیله گرمایشی و امکانات اولیه روزگار سپری می‌کنند). چرا آموزش‌وپرورش به‌جای هزینه‌های هنگفت، به طور میانگین هر مدرسه‌ای صد میلیون تومان، این‌نیروها را خودش با حداقل حقوق جذب نمی‌کند؟اگر حقوق هر معلم را چهاربرابر هم بدهند، ماهانه با بیمه و مزایا یک میلیون تومان می‌شود؛ هر مدرسه‌ای سسه تا چهار میلیون تومان و این یعنی از هر مدرسه ماهی ۹۶ میلیون تومان صرفه‌جویی که با این مبالغ می‌توان ده‌ها مدرسه با امکانات عالی ایجاد کرد. به نظر شما پشت مؤسسه مذکور کدام «زن خوب» ذی‌نفع هست که آموزش‌وپرورش ماهانه این مبالغ کزاف و هنگفت را به جیبش واریز می‌کند، اما حاضر نیست با هزینه‌ای بسیار اندک این قشر واقعاً مظلوم را جذب کند؟ آیا این کار به زیرساخت‌های آموزشی کشور آسیب نمی‌زند؟

تاک

والدین، میانجی کودکان در ارتباط سازنده با پیش‌دبستان



مبینا غربا.

برقراری ارتباط خوب و مؤثر کودکان با محیط پیش از دبستان یکی از مهم‌ترین مواردی است که بر نگرش کلی کودکان در عرصه تعلیم و تربیت تأثیرگذار است. برای برقراری ارتباط هرچه بهتر کودکان با محیط پیش از دبستان ابتدا باید مؤلفه‌های گوناگون دراین‌باره را شناخت: اجتماعی- عاطفی و زیستی. عوامل اجتماعی: کودکانی که مهدکودک نرفته‌اند و محیط پیش‌دبستان، نخستین محیط اجتماعی‌ای است که تجربه می‌کنند و معمولاً کودکانی هستند که همیشه پدر و مادر به صورت افراطی و وابسته‌گونه مواظبتشان بوده‌اند و استقلال کافی نداشته‌اند، رفتن به این محیط جدید برایشان درناک است. در این هنگام ناچیان همیشگی کودکان بازم نقش خود را در رفع این مسئله به‌خوبی می‌توانند ایفا کنند.

والدین

-باید با فرزندنان خود ارتباط متعادل برقرار کرده، به نیازهای او پی بوند. در برخی امور به کودک استقلال دهند که وابستگی کودک کاهش یابد. -به کودک خود اطمینان دهند که مادام با محیط پیش از دبستان در ارتباط هستند و این آرامش خاطر را در کودک ایجاد کنند. مثلاً: در روزهای اول پدر یا مادر، یک روز را در پیش‌دستانی سپری کنند و به روش حساسیت‌زدایی تدریجی، کم‌کم ساعات حضور خود را کاهش دهند.

-به‌جای رفتار سلطه‌گرانه باید با فرزند خود دوست باشند و با صمیمیت و عطفوت دوستانه، کودک را برای رفتن به این محیط آماده سازند. -در محیط خانه پیش از ورود به پیش‌دبستان کودک را برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی مختلف مهیا کنند.

-تعلق و سازگاری با گروه را به کودکان یاموزند (پیش از رفتن به مراکز آموزشی). - نباید با دادن وعده اسباب‌بازی، شکلات ... از وابستگی افراط‌گونه کودک جلوگیری کنند چراکه تقویت افراطی باعث می‌شود کودک هر بار موقع بیرون رفتن با جداشدن انتظار پاداش داشته باشد.

-باید فضای آرامش‌بخش در خانواده ایجاد کنند؛ تشنج در محیط خانواده نوعی نگرانی در کودکان پدید می‌آورد که تمرکز و آرامش آنان را در محیط آموزشی سلب می‌کند. عوامل زیستی: در برخی مواقع ورود کودک به محیط جدید پیش‌دبستان، فعالیت‌های روزانه او را مختل می‌کند. اگر پدر و مادر، والدین نسبی کودکان به‌شمار می‌آیند، مربیان و مسئولان پیش‌دبستان نیز والدین سببی کودکان هستند و باید بستری را فراهم کنند که بهداشت روانی کودکان در این محیط فراهم شود.

پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودک مدرس

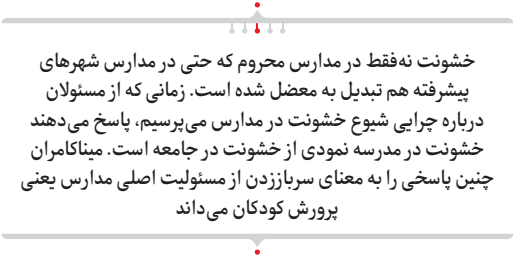


گزارشی درباره کمپین «زنگ حیات»

حیاطی برای حیات بخشیدن به مدرسه

خشونتی که از مدرسه شروع می‌شود

قلدری‌کردن دانش‌آموزان (Bullying) در مدارس یکی از شایع‌ترین معضلاتی است که معلمان جهان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این مسئله در مناطق محروم کشورمان یکی از انگیزه‌های ترک‌تحصیل برای دانش‌آموزان ضعیف‌تر بوده است. افت تحصیلی دانش‌آموزان رخنه‌ای هم به گفته «معصومه جدیده»، معلم خلاق این مدرسه، تا حدود زیادی ریشه در فضای خشک و بی‌روح مدرسه و خشونت نهاده‌بنده‌شده در دانش‌آموزان به‌ویژه پسران دارد. او دراین‌باره می‌گوید: «در اولین سال حضورم در این مدرسه، متوجه مشکلات زیادی شدم؛ ازجمله خشونت بین دانش‌آموزان و برخورد نامناسب برخی همکاران با آنها، نبود امکانات آموزشی و ورزشی و نبود فضای سبز با وجود وسعت زیاد زمین مدرسه... او سعی کرده بود تا حدودی به رفع مشکلات موجود بپردازد؛ اما پیچیدگی مسائل دانش‌آموزان باعث شده بود در این مسیر تنها بماند و به دلیل کمبود بودجه نتواند کاری از پیش ببرد. زمانی که به گوش دست‌اندرکاران کمپین ایران من رسید که در دبستان سعدی که هم دخترانه است و هم پسرانه، هیچ امکاناتی برای تقویت و بازی دانش‌آموزان وجود ندارد، تصمیم گرفتند با انجام تعمیرات در حیاط مدرسه، رنگ‌آمیزی مدرسه و حیاط، ساخت زمین‌های بازی، احداث باغچه‌های کشاورزی و راه‌اندازی و تجهیز کتابخانه، به جنگ خشونت نهاده‌بنده‌شده در کودکان رخنه‌ای برونند. مینا کامران و همکارانش با همین هدف کمپین «زنگ حیات» را راه‌اندازی کردند. او درباره ضرورت توجه به محیط مدرسه می‌گوید: «مدارس کشور ما معمولاً به نیازهای گوناگون دانش‌آموزان بی‌توجه هستند و این یک ضعف بنیادی است». وقتی از کامران درباره چرایی توجه پوشش ایران من به خشونت می‌پرسم، می‌گوید: «متأسفانه خشونت نه‌فقط در مدارس محروم که حتی در مدارس شهرهای پیشرفته هم تبدیل به معضل شده است. زمانی که از مسئولان درباره چرایی شیوع خشونت در مدارس می‌پرسم، پاسخ می‌دهند خشونت در مدرسه نمودی از خشونت در جامعه است». او چنین پاسخی را به معنای سرباززدن از مسئولیت اصلی مدارس یعنی پرورش کودکان می‌داند. این فعال اجتماعی می‌گوید زمانی که زنگ حیات را با همراهی داوطلبان پوشش ایران من زدند، باور داشتند خشونت در کودکان ذاتی نیست؛ از خانواده و جامعه شروع می‌شود و مدرسه می‌تواند در تثبیت یا کنترل آن نقش مؤثری داشته باشد: ۲۰ درصد دانش‌آموزان در یک مدرسه خشن ناقل اعمال



خشونت نه‌فقط در مدارس محروم که حتی در مدارس شهرهای پیشرفته هم تبدیل به معضل شده است. زمانی که از مسئولان درباره چرایی شیوع خشونت در مدارس می‌پرسم، پاسخ می‌دهند خشونت در مدرسه نمودی از خشونت در جامعه است. میناکامران چنین پاسخی را به معنای سرباززدن از مسئولیت اصلی مدارس یعنی پرورش کودکان می‌داند

و رفتار خشونت‌آمیز به دیگران هستند. قبلاً رسم بر این بود که معلمان با تنبیه کودکان خشن یا مربیان پرورشی از طریق حرف‌زدن با آنها، سعی در کنترل‌شان داشتند؛ اما این راه‌حل‌ها تأثیر چندانی بر کنترل خشونت در مدارس نداشته‌اند». ناکارآمدی روش‌های سنتی باعث شد ایده‌هایی خلاقانه برای کنترل خشم میان دانش‌آموزان رخنه‌ای در قالب پوشش زنگ حیات به کار گرفته شود که مدرسه با فضایی دلپذیر تنها بخش کوچکی از آن بوده است.

گره‌ای که با کمک دانش‌آموزان بازمی‌شود

پوشش زنگ حیات با یک شعار امیدوارکننده آغاز شد: «افزایش نشاط در مدرسه رخنه، برای کاهش خشونت دانش‌آموزان»؛ اما نکته مهم‌تری که در همه مراحل کار مینا قرار می‌گرفت، این بود که اگر بچه‌ها همکاری نکنند، مدرسه سعدی زیبا می‌شود ولی زیبا نمی‌ماند. داوطلبان زنگ حیات دو هفته مانده به آغاز مدارس، راهی فریمان شدند تا رنگ و نشاط را به مدرسه بازگردانند. دانش‌آموزان پسر از سروکول هم بالا می‌رفتند و دختران گوشه‌ای ایستاده بودند تا ببینند تهرانی‌ها چطور برای دیوارهای مدرسه درخت و پرند می‌کشند. بعضی‌ها هم دلشان می‌خواست کمک کنند، آمده بودند برای نقاشی‌کردن روی دیوارها. همان موقع که بعضی از دانش‌آموزان از دیدن درخت‌هایی که روی دیوار راهروی مدرسه نقش می‌یست، چشم‌هایشان برق می‌زد، بعضی‌های دیگر با تعجب نگاه می‌کردند و می‌گفتند: «چه فایده آن‌قدر زحمت می‌کنید؟ هفته دیگه بچه‌ها همه رو خراب می‌کنن». دست‌اندرکاران پوشش زنگ حیات اما هر بار با کوله‌باری از راه‌حل‌های جدید برای جذب همراهی همه دانش‌آموزان به مدرسه می‌رفتند. یکی از این راه‌حل‌ها، فراهم‌کردن باغچه‌ای برای کشاورزی در حیاط مدرسه و کاشت محصولات زراعی با کمک دانش‌آموزان بود. از آنجا که کلاس درس و حیاط مدرسه «معلم دوم» دانش‌آموزان به حساب می‌آید، ارائه مهارت‌های زندگی و تربیتی دانش‌آموزان و تهیه پکیج‌های مهارت‌های زندگی به آنان داشته باشد. مینا کامران درباره دلایل طرح ایده باغچه پرورش زعفران در مدرسه رخنه می‌گوید: «متأسفانه مطالبی که در مدارس ما تدریس می‌شود،



مدرسه چیست؟ شاید بد نباشد در ابتدای سال تحصیلی از خودمان بپرسیم آیا چند دیوار آجری، سقفی بالای سر و تخته‌ای برای نوشتن درس برای یک مدرسه کافی است؟ آیا همین که دانش‌آموزانی هر صبح زیر یک سقف بنشینند، معلمی روی تخته سیاه درسی را بنویسد و زنگ تعطیلی مدرسه‌ای بخورد، برای نظام آموزشی کفایت می‌کند؟ به اعتقاد روان‌شناسان تربیتی و صاحب‌نظران عرصه آموزش‌وپرورش، اهمیت کلاس و مدرسه اگر بیشتر از تأثیر معلم بر پویایی دانش‌آموزان نباشد، کمتر نیز نخواهد بود؛ شاید به همین دلیل است که کلاس و محیط مدرسه را «معلم دوم» دانش‌آموزان می‌کنند بر می‌کنند برای ایجاد تمایز و با هدف در کشور ما کم نیستند مدرسی که تلاش می‌کنند برای این کار با هدف

جذب دانش‌آموزان خاص، معماری سنتی مدارس را کنار گذاشته و مطابق با اصول معماری مدرن مدراسی بسازند که در آنها کلاس به خدمت شیوه‌های آموزشی‌نوین درآمده است. این در حالی است که اکثر دانش‌آموزان ایرانی در مدارس بیمارستانی درس خوانده و به دلیل عدم انطباق روش‌های آموزشی با نیازهای امروز، انگیزه‌های خود را در دست داده و در معرض خطر ترک‌تحصیل قرار می‌گیرند. اوایل شهرپور امسال در میان انبوهی از کمپین‌هایی که در فضای مجازی برای تأمین لوازم‌التحریر تشکیل شده بودند، حرکتی متفاوت به نام «زنگ حیات» شکل گرفت تا حیاط پایز مدرسه‌ای در روستای رخنه، واقع در شهرستان فریمان را به محیطی برای سرگرمی در کنار آموزش‌های کاربردی تبدیل کند. مسئولان این کمپین خلاقانه که پیش از این با فعالیت در پوشش مدرسه‌سازی «ایران من» فعالیت خود را در عرصه توسعه آموزشی آغاز کرده بودند، با حمایت داوطلبان و جذب منابع مورد نیاز، حیاط مدرسه سعدی در رخنه را رنگ‌آمیزی کردند، بخشی از زمین مدرسه را با کمک دانش‌آموزان زعفران کاشتند و مدرسه را به محلی تبدیل کردند که به دانش‌آموزان دختر و پسر انگیزه می‌دهد. در این گزارش مروری خواهیم داشت بر چگونگی شکل‌گیری کمپین زنگ حیات و فعالیت‌های اصلی و فرعی آن.

کمپینی که تمامی ندارد

همه ما دوست داریم به دانش‌آموزانی که در مناطق کمتربرخوردار درس می‌خوانند هدیه بدهیم، اما شاید هرگز به این نکته فکر نکنیم که هدیه‌ای برای آنها در نظر بگیریم که ماندگار باشد. برویچه‌های کمپین «زنگ حیات» به دنبال انجام کاری در مدرسه سعدی بودند که بر زندگی دانش‌آموزان؛ چه در داخل مدرسه و چه خارج تأثیرگذار باشد؛ مینا کامران، مدیر اجرایی کمپین «ایران من» و کسی که از صفر تا صد «زنگ حیات» را مدیریت کرده است، درباره فلسفه راه‌اندازی این پوشش می‌گوید: «یکی از مشکلات مدارس، به‌خصوص در مناطق دورافتاده‌تر در کشور ما این است که معلم‌ها به دلیل مشکلات معیشتی و سختی رفت‌وآمد انگیزه‌های لازم را برای تدریس ندارند، معمولاً به مرور همان چیزی که برایشان تعریف شده اکتفا می‌کنند و خلایقی در تدریس به خرج نمی‌دهند». دست‌اندرکاران ایران من ولی اصرار داشتند که معلم می‌تواند به الهام‌بخش‌ترین و تأثیرگذارترین فرد زندگی یک دانش‌آموز تبدیل شود. آنها که بیش از سه سال در حوزه مدرسه‌سازی در مناطق محروم فعالیت داشتند، به این نتیجه رسیدند که برای شناسایی و حمایت از معلمان پراکنیزه و دغدغه‌مندی که تعداد آنها در کشور ما کم نیست، کمپینی به‌عنوان معلم خلاق برگزار کنند و به معلم‌ها در حل مشکلات و معضلات مدرسه با روستای موردنظر کمک کنند. مینا کامران دراین‌باره می‌گوید: «چندبار فراخوان دادیم، در فضای مجازی اطلاع‌رسانی کردیم و از معلم‌ها خواستیم پروپوزال‌های خود را بفرستند تا در اجرائی‌کردنش‌ان به آنها کمک کنیم، ولی جوابی نگرفتیم. هیچ پیشنهاد خلاقانه‌ای نداشتیم؛ احساس کردیم داریم شکست می‌خوریم». برخی از معلم‌ها حتی از شناسایی مشکلات هم ناتوان بودند؛ تعجبی نداشت، بی‌انگیزگی فراگیر باعث شده بود بیشتر مشکلاتی که معلم‌ها مطرح می‌کنند حول محور مسائل تکراری‌ای مثل خرابی مدرسه و کمبود لوازم‌التحریر بچرخد؛ ضمن اینکه هیچ معلمی راه‌حلی عملیاتی در ذهن نداشت. این خلا بزرگ، کمپین معلم خلاق را به سمت حرکتی مؤثرتر سوق داد: «فکری که به سرمان زد این بود که با راه‌اندازی یک گروه مجازی با نام «معلم خلاق» و عضویت ۳۰ معلم بانگیزه از روستاهای محروم سراسر کشور، بحران‌ها و تکنگاه‌های آموزش در این مناطق را به بحث بگذاریم. بعد از مدتی تصمیم گرفتیم دوره آموزشی آنلاینی برای این معلمان برگزار کنیم تا آنها را با مهارت‌های ریشه‌یابی مشکلات، حل مسئله و تکنیک‌های خلاقیت بیشتر آشنا کنیم». ایده دست‌اندرکاران «ایران من» این بود که در اجرائی‌کردنش‌ان به آنها کمک کنند، ولی جوابی نگرفتیم. هیچ پیشنهاد حل مسائل محلی مطرح کنند. در طول دو هفته، اعضای گروه درباره طرح‌ها بحث می‌کردند و پروپوزال‌ها به پختگی می‌رسیدند. مینا کامران که معتقد است این مرحله یکی از جالب‌ترین مراحل کار بوده، می‌گوید: «معلمانی که پیشنهاد اولیه‌شان خرابی مدرسه بود، مسئله‌شان را تغییر دادند. یکی از طرح‌هایی که در این دوره قوام گرفت طرح معلم روستای رخنه برای کاهش خشونت و افزایش نشاط در مدرسه با ایجاد زمین‌های بازی برای حیاط دراندشت بود». همان‌جا این جرقه در ذهن ایران‌منی‌ها زده شد که می‌توانند با کمک دانش‌آموزان به حیاط مدرسه حیات ببخشند.